AKO
گروه مشاوره و برنامه ریزی

WWW.AKOEDU.IR

اولین و با کیفیت ترین

آکادمی کنکور در ایران

کلاس های vip کنکور

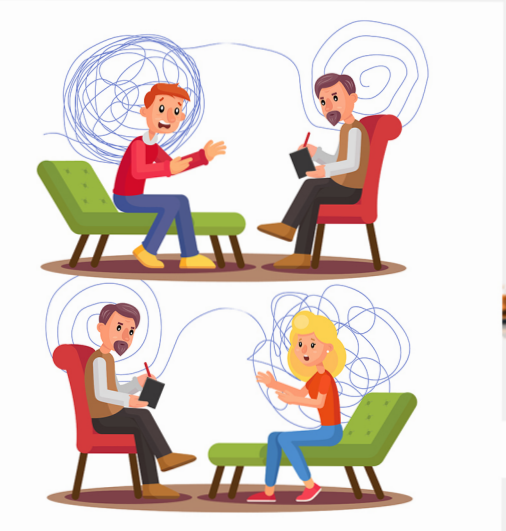

جهت دریافت برنامه ی شخصی سازی شده یک هفته ای رایگان کلیک کنید و یا به شماره ی ۰۹۰۲۵۶۴۶۲۳۴ عدد ۱ را ارسال کنید.

تلفن تماس: ۰۲۶۳۳۴۰۸۹۴۴

نمونه سوال عربی یازدهم درس‌هفتم متوسط

۱. ●● عیِّن الأصحُ و الأدقّ فی الجواب للترجمة من أو إلی العربیة:
«کنتُ أُفکر فی نفسی هل یُمکن أن تکون قد خُلقت السّماء و الأرض و کلُّ ما فیهما من دون حکمة!».

(۱) با خویش در اندیشه‌ام که آیا امکان دارد این آسمان و زمین و همه‌چیز که در آنهاست، بی‌حکمت خلق شود!
(۲) با خودم فکر می‌کنم که آیا ممکن است، آسمان و زمین و هر چه در آن هست بی‌حکمت خلق شده باشد!
(۳) با خود می‌اندیشیدم، آیا امکان دارد که آسمان و زمین و هر آنچه در آنها است بدون حکمت خلق شده باشد!
(۴) با خویشتن خود فکر می‌کردم آیا ممکن است این آسمان و این زمین و آنچه که در آن هست بدون حکمت خلق شود!

۲. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للترجمة:
«أخذتنی الدهشة عندما وجدت فی بعض الکتب آراء و نظریّات کان المسلمون قد طرحوها لأوّل مرّة!»:

(۱) شگفتی مرا فرا گرفت زمانی که افکار و نظراتی را که برای بار اول مسلمین در برخی کتابها طرح کرده بودند یافتم!
(۲) حیرت مرا فراگرفت هنگامی که در بعضی کتابها آراء و نظریاتی یافتم که مسلمانان برای اولین بار آنها را مطرح کرده بودند!
(۳) دچار تعجب شدم وقتی دریافتم در بعضی کتابها آراء و نظریاتی ا زمسلمانان آمده که برای نخستین بار آنها، آن را طرح کرده بودند!
(۴) دچار حیرت و تعجب شدم هنگامی که افکار و نظراتی را که توسط مسلمین برای بار نخست طراحی شده بود در آن کتابها یافتم!

۳. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة:
انزعجتُ من بعض أعماله الّتی کانت تسبّب أذی النّاس، و لکنّه لم یهتمّ با نزعاجی!

(۱) از بعضی از کارهایش که سبب آزار مردم می شد ناراحت شدم، اما او به ناراحتی من توجهی نکرد!
(۲) بعضی اعمال او که مردم آزاری را در پی داشت مرا ناراحت کرد، ولی او به ناراحتی ام اهمیتی نداد!
(۳) از برخی کارهای وی ناراحت شده بودم زیرا اذیت مردم را در پی داشت، ولی او اهمیتی به آن نمی‌داد!
(۴) برخی اعمال او که اذیت مردم را در پی دارد برای من ناراحت کننده بود، ولیکن او توجهی به آن نکرد!

۴. عَیِّن الصَّحیحَ فی التَّرجَمة.
«فَقَدْ أَلَّفَ الدُّکتورُ التّونجی کِتاباً، یَضُمُّ الْکَلِماتِ الْفارسیّة الْمُعَرَّبَة»:

(۱) دکتر تونجی کتابی را تألیف کرده بود که کلمات فارسی معرب را در بر می گرفت.
(۲) دکتر تونجی کتابی را تألیف کرده است که کلمات فارسی معرب را در بر می گرفت.
(۳) دکتر تونجی کتابی را تألیف کرده است که کلمات فارسی معرب را در بر گرفته بود.
(۴) دکتر تونجی کتابی را تألیف کرده است که کلمات فارسی معرب را در بر گرفته است.

۵. عَیِّن الصَّحیحَ عَن نوعیة الکلمات:
«فَلْیَعْبُدوا رَبَّ هذَا الْبَیْتِ الّذی أَطْعَمَهُم مِنْ جوعٍ و آمَنَهُم مِن خَوْف»

(۱) فَلْیَعْبُدوا: فعل مضارع – لیس له حرف زائد – یحتاجُ إلی المفعول/ فعل
(۲) أَطْعَمَ: فعل ماضٍ – لَه حرف زائد – مصدره تطعیم/ فعل و «هُم» مفعولٌ لَهُ
(۳) جَوْعٍ: اسم – مفرد مذکر – نکرة/ مضاف‌إلیه
(۴) آمَنَ: فعل أمر – یحتاج إلی المفعول/ فعل و «هُم» مفعولٌ لَهُ

۶. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمه او التعریب او المفهوم
«کانت أشعّه القمر الفضیّه المتکوِّنه من سبعه ألوان تخلب قلوبنا، عندما کنّا نمشی بهدوء علی تلال الرّمل!» :

(۱) اشعّه ماه نقره ای رنگ تشکیل شده از هفت رنگ، دلهای ما را شیفته کرده بود، آن زمان که آرام بر تپه‌هایی از شن راه می‌رفتیم!
(۲) اشعّه نقره ای رنگ ماه با رنگهای هفتگانه‌اش، دلها را شیفته می‌کرد، آنگاه که ما به آرامی بر تپه‌هایی شنی راه می‌رفتیم!
(۳) وقتی با آرامش بر تپه‌های شن راه می‌رفتیم، نور نقره‌ای فام ماه که از هفت رنگ تشکیل شده بود، دلهای ما را می‌ربود!
(۴) هنگامی که آرام بر تپه‌های شنی قدم می‌زدیم، نور ماه نقره‌ای رنگ که هفت رنگ داشت، دلها را می ربود!

۷. عیّن الصّحیح فی المحلّ الإعرابیّ للکلمات الّتی أشیر إلیها بخطّ:
«و قَدْ بَیَّن عُلَماءُ اللُّغَة الْعَرَبیّة وَ الْفارسیّة أبعادَ هذَا التَّأثیر فی دراساتهم»

(۱) مبتدا – مضاف إلیه – صفت – مفعول – مفعول
(۲) فاعل – مضاف إلیه – صفت – مضاف إلیه – مفعول
(۳) فاعل – مضاف إلیه – صفت – مفعول – مضاف إلیه
(۴) فاعل – صفت – صفت مفعول – مضاف إلیه

تیم مشاوره مهندس حاج کرم
تلفن تماس: ۰۲۶۳۳۴۰۸۹۴۴

۸. عیّن الأصحَ و الأدقَ فی الجواب للترجمة:
کنت حزینة لأنّنی ما شاهدت تقدماً فی دراستی!

۱) من ناراحت شدم چون پیشروی در درس‌هایم ندیدم.
۲) ناراحت بودم زیرا پیشرفتی در تحصیل خود مشاهده نکردم.
۳) از درس خواندنم ناراحت شدم، چون پیشرفتی در آن ملاحظه نمی‌کردم.
۴) تو ناراحت شدی زیرا در تحصیل من پیشرفتی مشاهده نکرده بودی.

۹. عیّن الصحیح فی الترجمة:
کانت شمس الصحراء مُحرقة جدًّا و النّاس یواصلون طریقهم فیها بصعوبة!

۱) خورشید صحرا جداً می سوزاند و باعث می شود مردم راهشان را با سختی بپیمایند!
۲) در صحرا خورشید جدًّا داغ می‌کند و مردم راهشان را با سختی زیاد طی می‌کنند!
۳) در صحرا آفتاب واقعاً سوزان بود و مردم راه خود را در آن سخت می‌پیمایند!
۴) آفتاب صحرا واقعاً سوزان بود و مردم در آن به سختی راهشان را ادامه می‌دادند!

۱۰. ■■ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتّرجمة أو التّعریب:
«بزرگترین ثروت ما اخلاق و انسانیّت ماست و برای آنها جایگزینی نیست!». عیّن الصحیح:

۱) لا بدیل لأخلاقنا و إنسانیّتنا لأنّه ثروتنا العظیمة!
۲) أعظم ثروتنا أخلاقنا و إنسانیّتنا و لیس لهما بدیلٌ!
۳) لیس لأخلاقنا و إنسانیّتنا بدیلاً لأنّهما أعظم ثروتنا!
۴) أعظم ثروتنا الّذی لیس لها بدیل أخلاقنا و إنسانیّتنا!

۱۱. عَیِّن الصَّحیح عَن نوعیّة الکلمات و المحلّ الاعرابی:
«فَقَدْ أَلَّفَ الدُّکتورُ التّونجیُّ کِتاباً یَضُمُّ الْکَلِماتِ الْفارِسیَّةَ الْمُعَرَّبَةَ»

۱) أَلَّفَ: فعل ماضٍ – یحتاجُ إلی المفعول – مصدره «تألُّف» / فعل
۲) کِتاباً: اسم – مفرد مذکر – نکرة / مفعول
۳) یَضُمُّ: فعل مضارع – لایحتاجُ إلی المفعول / جملة وصفیة
۴) اَلْمُعَرَّبَةَ: اسم – مفرد مذکر – اسم مفعول مِن مصدر «تعریب» / مضافإلیه

۱۲. عیّن ما لیس فیه عبارة معادل (الماضی الاستمراری) فی الفارسیّة:

۱) رأیتُ ولداً یمشی بسرعة.
۲) کان علماؤنا یبیّنون تأثیر اللغات علی الانسان فی دراساتهم.
۳) ما کانت السیّارات تُسرع لأنّ الشوارع مزدحمة.
۴) کان الطّلاب کتبوا واجباتهم قبل دخولهم الصفّ.

۱۳. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة:
« وَضع العلماءُ الایرانیّون معاجم مهمّة و کتباً عدیدة للّغة العربیّة »:

۱) دانشمندان ایران مُعجم‌های مهم و کتاب‌های گوناگون برای زبان عربی نهاده‌اند.
۲) دانشمندان ایرانی فرهنگ‌های لغت مهم و کتاب‌های متعددی برای زبان عربی تألیف کرده‌اند.
۳) علمای ایران فرهنگ‌های لغت‌های دارای اهمیت و کتاب‌های مختلفی برای زبان عربی قرار داده‌اند.
۴) فرهنگ لغات مهم و کتاب‌های عدیده‌ای برای زبان عربی توسط علمای ایرانی تألیف شده است.

۱۴. عَیِّن الأصحَّ والأدقّ فی الأجوبة للّترجمة:
«قد زوّد الخالق تعالی الصَّقْر بحاسّة بَصَر حادّة لیستعملها فی صید الحیوانات من أَعْلَی النقاط!»

۱) خدای تعالی روزی شاهین را در قدرت بینایی‌اش قرار داده تا آن را در صید جانوران از بالاترین نقطه‌ها به‌کار بندد!
۲) خالق متعال شاهین را به حس تیز بینایی مجهّز ساخته تا آن را در شکار حیوانات از بالاترین نقطه‌ها به‌کار گیرد!
۳) قطعاً خدای بزرگ شاهین را به احساس دقیق در چشم مجهّز می‌کند تا درشکار جانوران از مناطق بلند به کار برد!
۴) خداوند بلند مرتبه شاهین را به حس بینایی تیز آماده کرد تا در صید جانوران از نقاط بالا استفاده کند!

اقرأ النّص التّالی بدقّة ثمّ أجب عن الأسئلة بما یناسب النّص:

أحد الأشیاء الّتی تشیر إلی وجود العلاقات بین الإیرانیّین و العرب هو الأساطیر. فقصص الضّحاک و کیکاووس و سودابة و ... تشیر إلی هذه العلاقة. حیاة بهرام جور و أشعاره العربیّة من مظاهر هذه الصّلة! فی زمن نزول القرآن الکریم بعض المعاندین حین رأوا أنّ القرآن الکریم یتکلّم عن الأُمم الماضیة کانوا یقولون: إن کان محمد هکذا یتکلّم فنحن نحدّثکم بحدیث رستم و إسفندیار و الأکاسرة!

و من مظاهر هذه الصّلة وجود المفردات الفارسیّة الکثیرة فی العربیّة الّتی تسرّبت عن طریق التّجارة الزّیارة و ترجمة الکتب، و کذلک سیطرة الامبراطوریة العثمانیّة علی البلدان العربیّة إنّ لغة کبار العثمانیّین کانت فارسیّة! و بعد ظهور الإسلام اشتدّت هذه العلاقة حیث أصبحوا بنعمة الله إخواناً.

إنّ اللّغة الفارسیّة لم تکن تشعر عبر الزّمان أنّ اللّغة العربیّة تزاحمها حتی تقصد عداوتها و الجهد لإطفائها، بل ظلّت العربیّة فی الجانب الفارسیّ أساساً متیناً للثّقافة الإیرانیّة الإسلامیّة!

تیم مشاوره مهندس حاج کرم
تلفن تماس: ۰۲۶۳۳۴۰۸۹۴۴

۱۵. ما هی العلائم الّتی تثبت وجود المشترکات بین البلدین؟

۱) التّجارة و الزّیارة و الحکومة الواحدة علی البلدین!
۲) المفردات اللّغویّة المستعملة بین مستخدمی اللّغة!
۳) القصص و الرّوایات و الأبطال و الأفکار المشترکة!
۴) وجود الأساطیر و الظّواهر الأُخری المختصة بکلّ بلد!

۱۶. لماذا ازدادت علاقات المحبّة بین الإیرانیّین و العرب بعد الإسلام؟

۱) لأنّ الإسلام جعل الشّعبین أخوین و لم یفرّق بینهما!
۲) کثرة التّجارة و ازدیاد الزّیارات و ترجمة الکتب قد زادت المحبّة!
۳) لأنّ الإیرانیّین لم یقصدوا محو ثقافة جارهم بل حاولوا لإحیائها و نموّها!
۴) بسبب کثرة الرّوایات و القصص و الأساطیر المشترکة الّتی کانت تنقل عن لسان المتکلّمین بهاتین اللّغتین!

۱۷. متی تنشأ العداوة بین الثّقافتین: إذا .....

۱) لم تکن هناک روایات و أساطیر مشترکة بین الثّقافتین!
۲) شعرت إحداهما أنّ الأُخری تریدُ أن تحتلّ مکانها و تُزیلها!
۳) لم تقدر إحدی الثّقافتین توسیع دائرة الأُخوّة و الصّداقة بینهما!
۴) کان التأثیر من جانب واحد و لم تقدر إحداهما أن تؤثّر علی الأُخری!

۱۸. علی أساس النصّ:

۱) کان العثمانیون من أسباب توسیع اللّغة الفارسیّة!
۲) کان النّاس یتکلّمون باللّغة الفارسیة فی زمن إدارة العثمانیین!
۳) المفردات الفارسیّة عی الّتی تسرّبت فی ثقافة العرب، فلم تکن العلاقة متبادلة!
۴) کلام القرآن الکریم عن الأُمم الماضیة کان مثل کلام العرب عن حدیث رستم و إسفندیار!

۱۹. عین ما لیس فیه الماضی الاستمرای فی المعنی:

۱) کانتْ شمس الصحراء محرقةً جدًّا و الناسُ یواصلونَ طریقهم فیها بصعوبةٍ.
۲) عندما کُنّا نُسافرُ قبل شهرینِ فی مناطق بلادنا الشمالیة، تذکّرْنا جدّتنا الحنونَ.
۳) کُنتُ أبتعدُ عن الکذب دائماً و أخافُ انّه یظهر یوماً و یُزیلُ حرمتی.
۴) لأجعَلْ ذلک المعلم اسوةً لنفسی لأنّه کانَ تَحمّل المصاعب و أصبحَ عالماً.

۲۰. (هذان التلمیذانِ یکسبانِ الدرس) عیّن الصحیح مع (کان):

۱) کان هذانِ التلمیذانِ یکسبانِ الدرس.
۲) کانا هذانِ التلمیذانِ یکسبانِ الدرس.
۳) کانتْ هاتانِ التلمیذتانِ تکسبانِ الدرس
۴) کان هؤلاء التلامیذ یکسبون الدرس

۲۱. ایّ عبارة لا تدلُّ علی الماضی فی المفهوم:

۱) إنّ الله کان غفوراً رحیماً.
۲) کان الباب مغلقاً فقفتُ مدةً طویلةً.
۳) کان لی خاتم فضّیة اعجبُها کثیراً.
۴) کان یأمر اهله بالصلاة و الزکاة.

۲۲. عین ما لیس فیه من الأفعال الناقصة:

۱) قال ربّ إنّی أعوذ بک أن أسألک ما لیس بی به علم.
۲) یوم ینظر المرء ما قدّمتْ یداه و یقول الکافر یا لیتنی کنتُ تراباً.
۳) إنّکم مسؤولونَ حتّی عن البقاع و البهائم ... لأنّها مخلوقات الله.
۴) نَظّف الطلاب مدرستهم فصارت المدرسة نظیفة و جمیلة.

۲۳. ■■ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتّرجمة أو التّعریب:
«گمان نمی‌کردم که تو با وجود مشکلات بسیار، در کسب علم کوشا باشی!» عیّن الصحیح:

۱) لا أظنّ أنّک تکون مجتهداً فی الاکتساب العلم رغم المشکل الکثیر!
۲) ما کنّا نظنّ أنّک تکون ساعیاً رغم المشکل الکثیر فی اکتساب العلم!
۳) ما کنتُ أظنّ أنّک رغم المشاکل الکثیرة، تکون ساعیاً فی اکتساب العلم!
۴) لا أظنّ أنّک رغم المشاکل العدیدة أن تکون نشیطاً فی اکتساب العلم الکثیر!

۲۴. «کان المُزارع یُراقب أُمورَ المزرعة مراقبةً ولکنّ البوماتِ کانت تَتغذّی علی الأفراخ، و هذه سنّة الطبیعة!»:

۱) کشاورز مراقب امور مزرعه بود ولی تغذیة جغدها از جوجه‌ها انجام می‌گرفت و این قانون طبیعت بود!
۲) مزرعه‌دار امور مزرعه را نگهبانی می‌کرد اما جغدها جوجه‌ها را خورده بودند و این سنّت طبیعت بود!
۳) مزرعه‌دار از کارهای مزرعه با دقت مراقبت می‌کرد ولی جغدها جوجه‌ها را خورده بودند و این قانون طبیعت است!
۴) کشاورز کارهای مزرعه را بی‌گمان مراقبت می‌کرد ولی جغدها از جوجه‌ها تغذیه می‌کردند و این سنّت طبیعت است!

۲۵. عیّن الصحیح فی ترجمة العبارات التالیة:

۱) سَتُسجِّل الیونسکو الأمکنة التاریخیّة المهمّة فی قائمة التُّراث العالمّی : یونسکومکان‌های مهم تاریخی را در ستون میراث‌های جهانی ثبت خواهد کرد.
۲) فی الفلوات الإیرانیّة لا تَنْبتُ نباتات کثیرة : در بیابان‌های ایرانی گیاهان بسیاری نمی‌روید.
۳) کانت الرِّیاح تَعْصِفُ و تنکسرُ غصون حدیقتنا القویّة : بادها به شدّت می‌وزیدند و شاخه‌ی نیرومند باغ ما می‌شکستند.
۴) لا نَعملُ عملاً أطیبَ من غَرْس الأشجارِ فی الدنیا : نباید کاری نیکوتر از درخت‌کاری در دنیا انجام دهیم.

تیم مشاوره مهندس حاج کرم
تلفن تماس: ۰۲۶۳۳۴۰۸۹۴۴

۲۶. عیّن ما لیس فیه الماضی الاستمراری فی المعنی:

(۱) ما کان لی معدّات حدیثة فلذا ما کُنتُ أستطیع أنْ أغوصَ فی البحر!
(۲) کان المسلمونَ تَقدّموا فی العلوم فی القرون الماضیة لأنّ الاسلام شجّعهم!
(۳) رأیتُ طفلاً فی الشارع یبکی لأنّه جائع و یطلب الطعام من اُمّه!
(۴) ذلکَ المسکین الذی کان قد وقف وسط الشارع ما کان یلتفتُ الی مرور السیّارت!

إقرأ النصّ التالی بدقّة ثمّ أجب عَنِ الأسئلة حولَه:

لُقّب فاصولیا (لوبیا) بلحم الفُقراء و المساکین. فی هذا الطعامِ کثیرٌ مِنَ البروتین؛ و هذا الطعام مُناسبٌ لِلّذین لا یأکلونَ اللحم فی حمیتهم الغذائیة (رژیم غذایی). کثیرٌ من الناس یأکلونَ فاصولیا فی الشتّاء و الأیّام الباردة. فهو یَحتوی الفوسفورَ و الکاسیومَ و الحدیدَ بمقدارٍ کثیرٍ و هذه المَعادنُ تَدْخُل فی عُروق الدّم و البدنُ یَستخدمُها. الفاصولیا مؤثّرٌ جدًّا علی نموّ الأطفال. فی أکثر البلاد یُؤکَلُ الفاصولیا مَعَ الخبز و زَیت الزّیتون و هذا غذاءٌ نَموذجیٌّ و مفیدٌ للبالغینَ مِن النساءِ و الرجالِ أیضاً.

۲۷. عیّن الصحیح فی المحلّ الإعرابی و التحلیل الصرفی فیما أُشیرالیه بخطٍّ مِن النصّ:

الفُقراء:

(۱) اسم، جمع التکسیر (مفرده فقیر)، معرفة / مضافٌإلیه
(۲) جمع مکسّر، معرفة، مؤنّث (مفرده فقیرة) / صفة
(۳) اسم المؤنّث، مشتق اسم الفاعل، معرفة بأل / مضافٌإلیه
(۴) معرفة بالعلم، جمع التکسیر (مفرده فقیر) و مذکر/ نَعتٌ

۲۸. یأکُلونَ:

(۱) فعل مضارع، جمع مذکر (للمخاطبینَ)، مجرد ثلاثیّ / خبر، جملة فعلیّة
(۲) مجرّد ثلاثیّ، متعدٍّ، فعل مضارع، حروفه الأصلیة أکل / فعل و فاعله اسم ظاهر
(۳) فعلٌ مزید بزیادة حرف واحدٍ، معلّوم، لازم/ خبر، جملة فعلیّة
(۴) فعل للغائبینَ، متعدٍّ، معلوم، مجرّد ثلاثیّ / فعل و فاعله ضمیر بارز «واو»

۲۹. یَسْتخدِمُ:

(۱) فعل مضارع، مزید بزیادة حرفینِ، متعدٍّ / فعل و فاعله ضمیرها
(۲) مزید ثلاثی مصدره إستخدام، معلوم، متعدٍّ / خبر، جملة فعلیّة
(۳) حروفه الأصلیّة (خ – د – م)، مضارع، معلوم، للغائبة / فعل و فاعله هُوَ المستتر
(۴) فعل مضارع من باب إفتعال، مزید بزیادة ثلاثة أحرف / خبر، جملة فعلیّة

۳۰. مُؤثّر:

(۱) اسم، مفرد، مذّکر، اسم الفاعل المجرّد / مبتدأ و مرفوع
(۲) مشتق، اسم المفعول المزید، حروفه الأصلیّة (أ – ث –ر) / خبر و مرفوع
(۳) اسم الفاعل مِن مصدر تأثیر، مفرد، نکرةٌ / خبر و مرفوع
(۴) نکرة، مفرد، مؤنث، اسم الفاعل المجرّد / مبتدأ و مرفوع

الإنسان المثالیّ الّذی یَسعی للمجد هو الإنسان الّذی ینظر إلی العالَم کساحة لا یُری فیها إلّا الحرکة و النشاط، حیث إنّ الرخوة و السّکون یُساویان الموت! و کذلک إنّ کلّ من فی الوجود إذا أراد النَّصر و الظّفر مُلزم بمواجهة العالَم کمجموعة فیها نزول و صعود لا حیلة منهما و لا یُمکن اختیار أحدِهما دون الآخر! فإنّ المصاعب الّتی تقع فی سبیل الطالب – علی سبیل المثال – هی الّتی تقع قلیلاً أو کثیراً أو مشابهًا فی سبیل الآخرین. فمن کانت نفسُه مُتسّعةً تقبل الحیاة بما فیها من دون ضجر، ولکن من کانت الحیاة أکبر منه و الّذی صَغُر شأنَ نفسه فالحیاة تتغلب علیه، فحینئذٍ یعیش هذا الإنسانُ مأیوساً یلعن الآخرین بحُجّة أنّهم لم یکونوا فی سبیل قضاء حوائجه!

۳۱. عیّن الخطا فی الإعراب و التحلیل الصرفی:

«کانت»:

(۱) فعل ماضٍ – للمفرد المؤنث الغائب / من الأفعال الناقصة، بمعنی «بود»
(۲) فعل ماضٍ – للمفرد المؤنّث / فعلٌ من الأفعال الناقصة، و الجملة جواب شرط
(۳) ماضٍ – للمفرد – حروفه الأصلیة ثلاثة / فعل من الأفعال الناقصة، بمعنی «بود»
(۴) ماضٍ – للمؤنّث – له ثلاثة حروف أصلیة / من الأفعال الناقصة، و الجملة شرطیة

۳۲. عیّن فعلاً فی معنی الماضی الاستمراری:

(۱) کُنتُ ساکتاً و ما قُلْتُ کلمةً لأنّی کُنتُ لا أعرفُ شیئاً عن الموضوع!
(۲) یقولون بأفواههم ما لیسَ فی قلوبهم و الله اعلَمُ بِما یکتُمون!
(۳) کانَ العلماء خلال اعمالهم العلمیّة متذوقینَ آلاماً کثیرةً!
(۴) ما کانتْ عنده نقودٌ یساعدُ بها المساکین فجعلَ و رجع الی البیت!

۳۳. «صدیقک هو الشخص الّذی یَعرف نَغماتِ قلبک و یَستطیعُ أن یُغَنّیها لک إن کنتَ نسیتَ کلماتها!» :

(۱) دوستت همان کس است که آوازهای قلب تو را می‌دانست و هرگاه کلمات آن فراموشت شد دوباره برایت می‌خواند!
(۲) دوستت کسی است که نغمه‌های قلبت را بداند و بتواند آن را برایت دوباره بخواند هر زمان که کلماتش را فراموش کرده باشی!
(۳) دوست تو است آن کسی که آوازهای قلبت را می‌شناسد و می‌تواند آن را بخاطر تو بخواند آنگاه که کلماتت را فراموش کرده‌ای!
(۴) دوست تو همان کسی است که نغمه‌های قلب تو را می‌شناسد و می‌تواند آن را برای تو بخواند اگر کلمات آن را فراموش کرده باشی!

تیم مشاوره مهندس حاج کرم
تلفن تماس: ۰۲۶۳۳۴۰۸۹۴۴

۳۴. عیِّن الأنسب للجواب عن الترجمة:
«المفردات بين لغات العالم لَم تَتبادل فی سنة واحدة، بل قد حدث التبادلُ أثناء سنوات كثيرة، و بهذا أصبحت اللّغات غنيّة»:کلمات در بین زبان‌های دنیا .....

۱) در یک سال رد و بدل نشد بلکه این تبادل در طول سال‌های زیادی رخ داده است، و بدین ترتیب زبان‌ها غنی شدند!
۲) سالی یکبار تبادل نمی‌شدند بلکه این تبادل طی سال‌های زیادی اتفاق می‌افتاد، و زبان‌ها اینگونه توانمند می‌شدند!
۳) یکبار در سال تغییر نمی‌کردند بلکه این تغییر در مدت سال‌های بسیار اتفاق افتاده است، و بدین صورت زبان‌ها بی‌نیاز می‌شدند!
۴) در یک سال رد و بدل نشده‌اند بلکه رخداد تبادل در اثناء سال‌های زیادی بود، و به این صورت زبان‌ها سرشار از توانایی شدند!

۳۵. عين الخطأ فی الإعراب و التحليل الصرفی: «أذكروا نعمة اللهِ عليكم إذ كنتم أعداءً فألّف بين قلوبكم»

۱) الله: لفظ الجلالة– اسم– مفرد مذكر– معرفة (علم)– معرب/ مضاف‌إليه و مجرور.
۲) أُذكروا: فعل أمر– مجرّد ثلاثی– متعدٍّ/ فعل و فاعل، و الجملة فعلية؛ و مفعوله «نعمة».
۳) ألّف: فعل ماضٍ– مزيد ثلاثی (من باب تفعّل)– لازم– معلوم/ فعل و فاعل، و الجملة فعلية.
۴) أعداء: جمع مكسّر أو تكسير (مفرده: عدوّ، مذكر)– نكرة/ خبر «كان» من الأفعال الناقصة، و منصوب.

۳۶. «أصبحَ الشّاتم نادما من عمله القبيح»:

۱) عمل: اسم – مفرد مذكر – معرب / مجرور بحرف الجرّ، من عمل: جار و مجرور
۲) أصبح: فعل ماضٍ – مزيد ثلاثی (من باب أفعال) / فعل من الأفعال الناقصة اسمه «الشاتم»
۳) الشاتم: مفرد مذكر – اسم فاعل (حروفه الأصلية: ش م ت) – مبنی / اسم «أصبح» و مرفوع
۴) نادمًا: مفرد مذكر – اسم فاعل (حروفه الأصلية: ن د م) – نكرة / خبر «أصبح» و منصوب

۳۷. عيّن ما فيه التضادّ:

۱) خيرالكلام ما قلّ و دلّ.
۲) قُل الحقّ و إن كانَ مرًّا.
۳) إذا ملكَ الأراذلُ هلك الأفاضلُ.
۴) شرّ الناسِ ذوالوجهين.

۳۸. مَيّز الأَصحّ فی ترجمة العبارة التالية:
كانت زميلاتی يَعرفْنَ فی مَتجر المدينة العظيم الطالبةَ المُشاغبة تَبيعُ الأَقمشة الباهظة.

۱) دوستانم در فروشگاه بزرگ شهر دانش‌آموز شلوغی را که پارچه‌های گران می‌فروخت می‌شناسند.
۲) همکلاسی‌هایم در مغازة شهر بزرگ دانش‌آموز شلوغی را که پارچه‌هایی گرانبها می‌فروخت، شناخته بودند.
۳) هم‌شاگردی‌هایم در مغازة بزرگ شهر دانش‌آموز شلوغ را که پارچه‌های گران‌قیمت می‌فروخت می‌شناختند.
۴) همکلاسی من در فروشگاه شهر بزرگ دانش‌آموز شلوغ را که پارچة گران‌قیمت فروخته بود، می‌شناختند.

۳۹. عيّن الصحيح للفراغين فی العبارة التالية:
..... أُولئكَ الرجالُ .....فی المصانعِ الكبيرة.

۱) كانوا – يَعملونَ
۲) كانَ – قَدْ عَملوا
۳) كانوا – عَملوا
۴) يَكونونَ – يَعْملونَ

۴۰. عيّن ما فيه فعلٌ يَدلّ على الماضی البعيد فی الفارسيّة:

۱) كانَت كلماتٌ فارسيّة نُقلَت إلى اللغة العربيّة و تَغَيّرتْ أصواتُها.
۲) كُنّا نَشتغلُ فی مزرعةٍ كبيرة تُنتجُ كثيراً مِن الموادّ اللبنيّة.
۳) فی مدينة اصفهان كانتِ الطالباتُ يُعَلّمنَ فنونَ العَيشِ فی المدارس.
۴) سَمِعْتُ صديقی يَقولُ إنّ الإنسانَ يَحتاجُ إلى محبّة الآخَرينَ.

۴۱. عيّن الصحيح فی ترجمة العبارة التالية:
كانَ علماءُنا الكبارُ قد تَرجموا عَدداً مِن الكتبِ الفارسيّة المهمّة إلى العربيةِ و صارت مشهورةً بين العرب.

۱) دانشمندان بزرگتر ما تعدادی از کتاب‌های مهم فارسی را به عربی ترجمه کردند و در میان اعراب معروف شد.
۲) دانشمندان بزرگ تعدادی از کتاب‌های فارسی مهم را به عربی ترجمه کرده بودند و در میان اعراب مشهور بود.
۳) دانشمندان بزرگتر ما تعدادی از کتاب‌های فارسی مهم را به عربی برمی‌گرداندند که در میان عرب معروف گردید.
۴) دانشمندان بزرگ ما تعدادی از کتاب‌های مهم فارسی را به عربی برگردانده بودند و در میان عرب مشهور گردید.

۴۲. كَمْ فعلاً ناقصاً جاءَ فی العبارة التالية:
كانَ صديقی قد وصلَ إلى قريةٍ كمْ تَكُن بعيدةً مِن المدينة. فصارَ مسروراً مِن مشاهدة رجال قد أَصبَحوا قادرينَ فی أداء واجباتهم و يقولونَ: لَسْنا متكاسلينَ فی وظائفنا.

۱) ثلاثة
۲) خمسة
۳) أربعة
۴) ستّة

تیم مشاوره مهندس حاج کرم
تلفن تماس: ۰۲۶۳۳۴۰۸۹۴۴

۴۳. عيّن الأَصدق فی ترجمة العبارة التالية:
كانت الأَشجار العجيبةُ تُثبتُ أنّ فی ظواهر الطبيعية حقيقة واحدة و هِیَ قدرة ربّنا الخالقِ.

۱) درختان شگفت‌انگیز ثابت کرده‌اند که در پدیده‌های طبیعی یک حقیقت وجود دارد و آن قدرت پروردگار آفرینندهٔ ماست.
۲) درختان عجیب ثابت می‌کردند که در پدیده‌های طبیعت یک واقعیت هست و آن قدرت پروردگار آفریننده است.
۳) درختان شگفت‌انگیز ثابت می‌کردند که در پدیده‌های طبیعت یک حقیقت وجود دارد و آن قدرت پروردگار آفرینندهٔ ماست.
۴) درختان عجیب ثابت می‌کنند که در پدیده‌های طبیعی یک حقیقت هست و آن توانمندی خداوند آفریننده است.

۴۴. عيّن الصحيح فی الإعراب و التحليل الصّرفی:
«الرّياح كانت تَجری بِما لا تَشتَهی السُّفُن»

۱) السُّفُن: مفرد مذكر – معرفة / فاعل لِفعل (لا تشتهی)
۲) الرّياح: جمع تكسير (مفرده ريح) – معرف بأل) / مبتدا و خبره (لا تشتهی)
۳) تَجری: فعل مضارع – مزيد ثلاثی و مصدره (إجراء) / خبر (كانت) و جملة فعلية
۴) لا تشتهی: مضارع للنفی – مزيد ثلاثی من باب (إفتعال) / فعل مَعَ فاعله

۴۵. عيّن الخطأ فی اسم و خبر الأفعال النّاقصة:

۱) كان لی أصدقاءٌ يدعوننی إلی طاعة الله!
۲) كثير من التلميذات كنّ ناجحات فی إمتحاناتهنّ!
۳) صار الجوّ بارداً و هو ليس مناسباً للخروج من البيت!
۴) أصبح والدیّ عجوزين، يحتاجون إلی المساعدة!

۴۶. عيّن ما يَدلّ علی الماضی الإستمراری:

۱) كانَت فی قريةٍ إمرأَةٌ تَلعَبُ مع الأطفالِ بكلّ سرورٍ.
۲) إنَّ المُخطئينَ قدْ نَدموا مِنَ الأَعمال القَبيحة فی حياتهم.
۳) هؤلاءِ المعلّمون يُدرّسون فی مدارس القُری مُجتهدينَ.
۴) لَعَلَّ الإنسانَ يَعْتَبِرُ مِنَ تجارب القُدماء فی التاريخِ.

۴۷. (هم فقراء الی الله ...) عيّن الصحيح مع (كان):

۱) كانوا فقراء الی الله.
۲) كان هم فقراء الی الله.
۳) هم كانوا فقراء الی الله.
۴) كانوا هم فقراء الی الله.

۴۸. عيّن الصحيح عن خبر الافعال الناقصة:

۱) اصبحنا مستعدّين للحضور فی الامتحانات النهائية: (للحضور).
۲) كان هؤلاء الطّلاب ساهرينَ الليلة الماضية (الطّلاب).
۳) انّ اصدقاءنا آملونَ فأصبحنا آملينَ مثلهم (مثل).
۴) اصبحتْ ممرّضات المستشفی ساهرات طول الليل (ساهرات).

۴۹. عيّن الصحيح للفراغ: (ليس الأعداءُ ..... أنْ يتسلّطوا علی شعبنا).

۱) قادراتٍ
۲) قادرينَ
۳) قادراً
۴) قادرَيْنِ

۵۰. ایّ عبارة جاء فيها (الفاعل)؟

۱) كانَتْ رسالةُ الاسلام علی مرّ العصور علی المنطق.
۲) كلّ حزبٍ بما لديهم فرحونَ.
۳) تأثير اللغة العربية و فهْمها علی فهم القرآن كثيرٌ.
۴) لا أملكُ لنفسی نفعاً و لا ضرًّا الّا ماشاءالله.

www.akoedu.ir

پاسخنامه تشریحی

۱ . گزینه ۳ کنت أفکر: ماضی استمراری فارسی؛ بنابراین گزینه‌های ۳ و ۴ درست ترجمه شده است / السماء: آسمان، رد گزینهٔ ۴ (این آسمان)، الأرض: زمین، رد گزینهٔ ۴ (این زمین) / کل ما: هر آنچه رد گزینه‌های ۱ و ۴ / یمکن: امکان دارد، رد گزینه‌های ۲ و ۴.

۲ . گزینه ۲ زیرا اخذَتنی دارای نون وقایه است پس ضمیر "ی" متکلم در نقش مفعول است که فقط در گزینه ی ۱ و ۲ رعایت شده است در گزینه ی ۱ ترتیب جمله خوب رعایت نشده است.

۳ . گزینه ۱ کلمات کلیدی: انزعجتُ / من بعض أعماله / کانت تسبّب / لم یهتمّ

مقایسه‌ی کلیدها در گزینه‌ها: انزعجتُ: ناراحت شدم؛ فعل ماضی اولین شخص مفرد

رد سایر گزینه‌ها: من بعض أعماله :از بعضی از کارهایش؛ اولا حرف جر «من» باید در ترجمه بیاید، ثانیاً: ضمیر «ـه» در أعماله باید ترجمه شود. رد گزینه‌های (۲) و (۴) / کانت تسبّب: سبب می شد ؛ فعل مضارع به همراه کانت (به صورت ماضی استمراری) می + ماضی ترجمه می‌شود. (رد گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴)

۴ . گزینه ۲ ردّ سایر گزینه‌ها:

۱) تألیف کرده بود ۳) دربرگرفته بود ۴) در برگرفته است، نادرست هستند.

نکته : قد + فعل ماضی : ماضی نقلی

فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع : ماضی استمراری

۵ . گزینه ۱ ردّ سایر گزینه‌ها:

۲) تطعیم ⇐ إطعام

۳) مضاف‌إلیه ⇐ مجرور بحرف الجرّ

۴) أمر ⇐ ماضٍ

۶ . گزینه ۳ رد گزینه های دیگر :

"اشعةُ القمر الفضّیةُ" یک ترکیب اضافی وصفی است و "الفضّیةُ" صفت برای "اشعّةُ" می باشد پس ترجمه ی دقیق آن به فارسی "اشعّه ی نقره ای رنگ ماه " می باشد (رد گزینه ی ۱ و ۴) "ماه نقره ای رنگ")

"قلوبنا" دارای ضمیر است (رد گزینه ی ۲) زیرا "دلها" بدون ضمیر ترجمه شده است.

۷ . گزینه ۳

۸ . گزینه ۲ بررسی موارد در سایر گزینه‌ها: در گزینهٔ ۱- (ناراحت شدم، درس‌هایم)، در گزینهٔ ۳- (ملاحظه نمی‌کردم) و در گزینهٔ ۴- (مشاهده نکرده بودی) از موارد نادرست است.

۹ . گزینه ۴ زیرا کانت ماضی است و یواصلون مضارع است پس :

مضارع بعد از ماضی ← ماضی استمراری (رد گزینه های ۱ و ۲ و ۳)

به‌ترتیب : بپیمایند – طی می‌کنند – می‌پیمایند

۱۰ . گزینه ۲

۱۱ . گزینه ۲ ردّ سایر گزینه‌ها:

۱) تألُّف ⇐ تألیف

۳) لایَحتاجُ إلی المفعول ⇐ یحتاج إلی المفعول

۴) مذکر – مؤنث، مضاف‌إلیه ⇐ صفت

۱۲ . گزینه ۴ (کان + فعل ماضی: کتبوا = ماضی بعید: نوشته بودند.)

بررسی گزینهٔ (۱): (رأیتُ: ماضی + اسم نکره: ولداً + مضارع: یمشی، جملهٔ وصفیه بوده و به‌صورت (ماضی استمراری) ترجمه می‌شود: پسری که به سرعت راه می‌رفت ...)

بررسی گزینهٔ (۲): (کان + مضارع: یُبیَّنون = (بیان می‌کردند) ← ماضی استمراری)

بررسی گزینهٔ (۳): (کانتْ + تُسرعُ: به سرعت می‌رفتند)

۱۳ . گزینه ۲ وضع: تألیف کرده‌اند، العلماء الایرانیون: دانشمندان ایرانی (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / معاجم مهمّة: فرهنگ‌های لغت مهم (رد سایر گزینه‌ها) / عدیدة: متعدد

۱۴ . گزینه ۲ «قد زَوَّدَ» : مجهّز ساخته (رد سایر گزینه‌ها) حاسّة بصر حادّة : حس تیز بینایی (رد سایرگزینه‌ها)، أعلی النقاط : بالاترین نقطه‌ها (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

۱۵ . گزینه ۳ علامت‌هایی که وجود مشترکات بین دو سرزمین را اثبات می‌کند چیست؟

۱-تجارت و زیارت و حکومت واحد بر هر دو سرزمین.

۲-عبارات لغوی استفاده شده بین کاربران زبان!

۳-قصه‌ها و روایات و قهرمانان و افکار مشترک.

۴-وجود اساطیر و ظواهر دیگری مختص به هر سرزمین.

که با توجه به متن داده شده گزینه‌ی ۳ درست است.

۱۶ . گزینه ۱ چرا ارتباطات محبت آمیز بین ایرانی ها و عرب بعد از اسلام زیاد شد؟

۱-زیرا اسلام دو ملت را برادر قرار داد و بین آن دو فرق نگذاشت.

۲-زیادی تجارت و زیادی زیارت‌ها و ترجمه‌ی کتاب‌ها محبت را زیاد کرده است.

۳-زیرا ایرانی‌ها قصد محو کردن فرهنگ همسایه‌ی خود را نداشتند بلکه برای احیا و رشد ان تلاشی کردند.

۴-به سبب کسرت روایات و قصه‌ها و اساطیر مشترکی که از زبان متکلّمان به این دو زبان نقل می‌شد.

www.akoedu.ir

۱۷ . گزینه ۲ دشمنی بین دو فرهنگ چه زمانی شروع می‌شود؟ آن‌گاه که ...

ترجمه گزینه‌ها:

گزینه ۱: روایت‌ها و اسطوره‌های مشترکی میان دو فرهنگ وجود نداشته باشد!

گزینه ۲: یکی از آن دو احساس کند که دیگری می‌خواهد جایگاهش را از بین ببرد و او را نابود کند !

گزینه ۳: یکی از دو فرهنگ قادر به وسعت بخشیدن به دایره برادری و صداقت میان آن دو نباشد!

گزینه ۴: تأثیر از جانب یکی باشد و یکی از آن دو نتواند بر دیگری تأثیر بگذارد!

توضیح: با توجه به خط پایانی درک مطلب، زبان فارسی احساس نکرده است که زبان عربی قصد دشمنی با او و از بین بردنش را دارد که اگر این چنین بود دشمنی بین دو زبان شروع می‌شد.

۱۸ . گزینه ۱ براساس متن:

ترجمه گزینه‌ها:

گزینه ۱: عثمانی‌ها از علت‌های توسعه بخشیدن زبان فارسی بودند!

گزینه ۲: مردم به زبان فارسی در زمان اداره عثمانی‌ها صحبت می‌کردند!

گزینه ۳: لغات فارسی همان چیزی است که در فرهنگ عربی نفوذ کرده پس ارتباط به صورت مبادله‌ای نبوده است!

گزینه ۴: سخن قرآن کریم درباره امت‌های گذشته مثل سخن عرب درباره داستان رستم و اسفندیار است! (نعوذبالله)

توضیح: براساس متن چیرگی عثمانی بر سرزمین‌های عربی از این جهت که زبان بزرگان عثمانی‌ها فارسی بوده است، باعث توسعه زبان فارسی شد.

۱۹ . گزینه ۴ (کان تحمَّلَ: تحمل کرده بودند) ماضی بعید است!

سایر گزینه‌ها: (کانتْ ... یواصلونَ: طی می‌کردند)

و (کُنّا نسافر: مسافرت می‌رفتند) و (کنتُ أبتعدُ: دوری می‌کردم)

۲۰ . گزینه ۱ نکته:

وقتی یکی از افعال ناقصه را به اول جمله‌ای می‌افزاییم، با مبتدا هیچ کاری نداریم. بعد از این به آن می‌گوییم (اسم افعال ناقصه و مرفوع) ولی خبر را اگر به‌صورت (خبر مفرد) باشد از مرفوع به منصوب تبدیل می‌کنیم! تأکید می‌کنم که فقط اگر (خبر به‌صورت مفرد) باشد!! پس هرگز خبر (به‌صورت جملهٔ فعلیه) و خبر به‌صورت (جارومجرور = شبه جمله) هیچ تغییری نمی‌کنند!

در این جا (کان + هذانِ: اسم کان و مرفوع + التلمیذانِ: تابع اسم اشاره یا مشارالیه و مرفوع + یکسبان الدرس: خبر کان)

بررسی گزینهٔ (۲): فعل غایب (سوم شخص) در اول جمله فقط به‌صورت مفرد می‌آید حتی اگر فاعل آن (مثنی) یا (جمع) باشد. حکم (اسم افعال ناقصه) هم دقیقاً مثل فاعل و انواع آن است.

بررسی گزینهٔ (۳): مؤنث آوردن جمله کاملاً غلط است، چون اصل جمله به صورت مذکر بوده است.

بررسی گزینهٔ (۴): جمع کردن جمله کاملاً غلط است، چون اصل جمله مفرد بوده است.

۲۱ . گزینه ۱ معمولاً اگر (کان) دربارهٔ (الله) و ... باشد مفهوم (گذشته) ندارد، بلکه معنای (حال) را می‌رساند و معادل فعل ربطی فارسی است؛ ترجمه می‌شود! (الله همواره بسیار بخشنده و بسیار مهربان است!)

بررسی گزینهٔ (۲): (در بسته بود ...)

بررسی گزینهٔ (۳): (کان + ل: داشتم داشتی ... ← کان لی: داشتم)

بررسی گزینهٔ(۴): (کان یأمرُ: دستور می‌داد، ماضی استمراری)

۲۲ . گزینه ۳ این گزینه فقط حروف مشبهٔ بالفعل دارد. (إنَّ + أنَّ)

نکته:

دقت کنیم (حروف مشبهٔ بالفعل) با (افعال ناقصه) اشتباه گرفته نشود!

بررسی گزینهٔ (۱): (لیسَ: نیست) فعل ناقصه است.

بررسی گزینهٔ (۲): (کُنتُ) از (کانَ: بود) و فعل ناقصه است.

بررسی گزینهٔ (۴): (صارتْ: شد، گردید) جزء افعال ناقصه است!نکته:

دقت کنیم (لیتَ: ای کاش) که حرف مشبهٔ بالفعل است را با (لیسَ) از افعال ناقصه اشتباه نگیریم! (توجه به گزینهٔ ۲)

۲۳ . گزینه ۳ گمان نمی‌کردم: فعل ماضی استمراری متکلم وحده است که فقط در گزینهٔ ۳ ماضی استمراری متکلم وحده آمده است، در گزینهٔ ۲ متکلم مع الغیر است که نادرست می‌باشد.

که کوشا باشی: آن تکون ساعیاً / با وجود مشکلات بسیار: رغم المشاکل الکثیرة (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

در کسب علم: فی اکتساب العلم / «الاکتساب» نادرست است زیرا مضاف است.(رد گزینهٔ ۱)

۲۴ . گزینه ۴ کان یراقب (ماضی استمراری): مراقبت می‌کرد. (رد گزینهٔ ۱)

مراقبةً (مفعول مطلق تاکیدی): قطعا، بی‌گمان باید در ترجمه بیاید. (رد گزینهٔ ۱، ۲ و ۳)

کانت تتغذّی (ماضی استمراری): تغذیه می‌کردند. (رد گزینهٔ ۱، ۲ و ۳)

هذه سنّةُ الطبیعةُ: این سنت طبیعت است. (رد گزینهٔ ۱ و ۲)

۲۵ . گزینه ۲ در گزینه‌ی «۱»: ".... در لیست میراث ...." صحیح است.

در گزینه‌ی «۳»: ".... شاخه‌های ...." صحیح است.

در گزینه‌ی «۴»: "نباید غلط است"، "... کاشت درختان .... انجام نمی‌دهیم." صحیح است.

۲۶ . گزینه ۲ (کانَ ... تَقَدّموا): پیشرفت کرده بودند، ماضی بعید است چون به همراه ماضی آمده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: (کنتُ أستطیعُ: می‌توانستم) و (کان یلتفتُ: توجه می کرد)

نکته:

در گزینهٔ (۳)، فعل (یبکی) می‌تواند به‌صورت استمراری معنا شود، چون جملهٔ وصفیه شده است!

ترجمهٔ متن:

لوبیا به گوشت فقیران و بیچارگان ملقّب شده است. در این غذا پروتئین بسیاری هست و این غذا مناسب است برای کسانی که در رژیم غذایی‌شان گوشت نمی‌خورند. بسیاری از مردم لوبیا را در زمستان و روزهای سرد می‌خورند. آن شامل فسفر، کلسیم و آهن به مقدار زیاد است و این مواد معدنی وارد رگ‌های خون می‌شود و بدن از آنها استفاده می‌کند، لوبیا در رشد کودکان بسیار مؤثّر است. در بیشتر کشورها لوبیا با نان و روغن زیتون خورده می‌شود و این غذای عالی است و برای بزرگسالان از زنان و مردان نیز مفید است.

۲۷ . گزینه ۱ دیگر نکات تحلیل صرفی الفقراء: **مذکر، مشتق صفت مشبّهة، از لحاظ نحوی، مضافٌ‌إلیه برای** لَحْم **است.**

۲۸ . گزینه ۴ دیگر موارد تحلیل صرفی یَأکلونَ: **مضارع، حروفه** الأصلیّة (أ – ک– ل). **از لحاظ نحوی خبر،** جملة فعلیّة **نیز می‌باشد.**

۲۹ . گزینه ۲ دیگر موارد تحلیل صرفی یستخدِمُ **فعل مضارع،** مزیدٌ بزیادة ثلاثة أحرف، حروفه الأصلیّة (خ – د –م). **از لحاظ نحوی فعل و فاعله ضمیر مستتر** هُوَ **نیز صحیح است.**

۳۰ . گزینه ۳ دیگر موارد تحلیل صرفی مؤنِّثٌ: مشتقّ، مزید مِن باب تفعیل، مذکر، حروفُه الأصلیّة: أ – ثَ – ر.

انسانی نمونه‌ای که برای مجد و بزرگی تلاش می‌کند همان انسانی است که به عالم مانند میدانی که در آن به غیر از حرکت و نشاط دیده نمی‌شود نگاه می‌کند، چرا که سستی و سکون مساوی مرگ است. و همچنین، هر کسی در هستی، هرگاه یاری و پیروزی را بخواهد با عالم به عنوان یک مجموعه‌ای که در آن بالا و پایین است مواجه شود و هیچ چاره‌ای از آن دو نیست و امکان ندارد یکی از آن دو را بدون دیگری انتخاب کند. سختی‌های سر راه طالب به‌طور مثال آن‌هایی هستند که یا کم و یا زیاد یا مشابه در راه دیگران واقع می‌شوند. پس هر کس نفسش وسیع باشد زندگی را با آنچه در آن است بدون زجر می‌پذیرد ولی هر کس که زندگی از او بزرگتر باشد و کسی که شأن خود را کوچک کند پس زندگی بر او غلبه می‌کند. پس در این هنگام این انسان با یأس زندگی می‌کند و دیگران را به دلیل اینکه آن‌ها در راه برآورده کردن نیازهایش نبودند لعنت می‌کند.

۳۱ . گزینه ۲ کانت فعل شرط است نه جواب شرط!

۳۲ . گزینه ۱ فقط در این گزینه (کنتُ + لا أعرفُ: **مضارع) شده و به معنای ماضی استمراری (نمی‌شناختم) می‌باشد!**

۳۳ . گزینه ۴ «یَعرف»: **می‌شناسد (رد گزینه‌های ۱ و ۲)** / «نَغمات قلبک» **نغمه‌های قلب تو** / «یَستطیعُ» **می‌تواند (رد گزینه‌های ۱ و ۲)** / «أن یُغنّیها» **آن را بخواند (رد گزینهٔ ۱)** / «لک» **برایت (رد گزینهٔ ۳)** / «إن کُنت نسیتَ» **اگر فراموش کرده باشی (رد گزینه‌های ۱ و ۳)** / «کلماتها» **کلماتش (رد گزینهٔ ۳)**

۳۴ . گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

«فی سنة واحدة»: **در یک سال (رد گزینه‌های ۲ و ۳)** / لم تتبادل: **(فعل ماضی منفی) رد و بدل شد / نشده‌اند (رد گزینه‌های ۲ و ۳)** / **و قد حدث: رخ داده است، اتفاق افتاده است (رد گزینه‌های ۲ و ۴)** / «هذا»": **این (رد گزینه‌های ۳ و۴)** / أصبحت: **شدند (رد گزینه‌های ۲ و ۳)** / غنیّة: **بی‌نیاز، غنی (رد گزینه‌های ۲ و ۴).**

۳۵ . گزینه ۳ «أَلّف» **فعل ماضی بر وزن** «فعَّلَ» **و از باب تفعیل است؛ بنابراین** «من باب تفعّل» **نادرست است.**

۳۶ . گزینه ۳ الشاتم بر وزن (ش ت م) است و معرب است نه مبنی!

۳۷ . گزینه ۳ میان دو کلمه الأراذل **و** الأفاضل **تضادّ وجود دارد.**

ترجمهٔ گزینه: هر گاه افراد پست حکومت کنند، افراد شایسته (خوار می‌شوند) و از بین می‌روند.

ترجمهٔ سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: بهترین سخن ما آن است که کوتاه و روشن‌گر باشد.

گزینهٔ «۲»: سخن حق را بگو اگرچه تلخ باشد.

گزینهٔ «۴»: بدترین مردم، دورو (منافق) است.

۳۸ . گزینه ۳ زمیلاتی: **همکلاسی‌هایم، هم‌شاگردی‌هایم (رد گزینه‌های ۱،۴)**

کانت یَعرِفْنَ: **می‌شناختند (رد گزینه‌های ۱،۲).**

مَتجر المدینة العظیم: **فروشگاه (مغازه) بزرگ شهر (رد گزینه‌های ۲،۴)**

الطالبة المُشاغِبة: **دانش آموز شلوغ (شلوغ) (رد گزینه‌های ۱،۲)**

الأقمشة الباهظة: **پارچه‌های گران‌قیمت (رد گزینه‌های ۲،۴)**

۳۹ . گزینه ۲ در جای خالی اول فعل به شکل للغائب (مفرد مذکر) می‌آید و در جای خالی دوم فعل به شکل للغائبینَ **(جمع مذکر) می‌آید.**

۴۰ . گزینه ۱ در این گزینه کانت + نُقِلَتْ = **ماضی بعید.**

ترجمهٔ گزینه: کلماتی فارسی به زبان عربی منتقل شده بود **و صداهای آن** تغییر یافته بود.
ماضی بعید ماضی بعید

نکته: کانَتْ **در ابتدای جمله روی فعل‌های معطوف به فعل اول نیز اثر می‌گذارد.**

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۳،۲»: فعل‌های کنّا نَشتَغِلُ **و** کانَتْ ... یُعلِّمْنَ **مفهوم ماضی استمراری دارند.**

گزینهٔ «۴»: یقولُ **که بعد از** سَمِعْتُ **آمده است مفهوم ماضی استمراری دارد.**

۴۱ . گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

کانَ... قد تَرْجموا: **ترجمه کرده بودند (رد گزینه‌های ۱، ۳)**

علماءُنا الکبار: **دانشمندان بزرگ ما** (کبار **جمع کبیر است) (رد گزینه‌های ۳،۱)**

صارَت مشهورةً: **مشهور شد (گردید) (رد گزینهٔ ۲).**

۴۲ . گزینه ۲ فعل‌های ناقصه در عبارت فوق: ۱) کانَ **۲)** لَم تَکُن **۳)** صارَ **۴)** أَصْبَحوا **۵)** لَسْنا **(از** لَیسَ**).**

۴۳ . گزینه ۳ کانت ..... تُثبتُ : **ثابت می‌کردند (رد گزینه‌های ۱ و ۴)**

ظواهر الطبیعیة : **پدیده‌های طبیعت.** ربّنا الخالقِ : **پروردگار آفرینندهٔ ما (رد گزینه‌های ۲ و ۴)**

۴۴ . گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: (مفرد مذکر) نادرست است / جمع مکسر و مفرد آن (سفینة) **می‌باشد.**

گزینهٔ «۲»: (خبره لا تشتهی) **نادرست است / (کانت) خبر جمله است.**

گزینهٔ «۳»: (مزید ثلاثی) نادرست است / فعل ثلاثی مجرد است.

۴۵ . گزینه ۴ اسم افعال ناقصه (مرفوع) و خبر آن (منصوب) است.

در این گزینه (أصبح) **فعل** ناقصة **می‌باشد و اسم آن** (والدیّ) **باید به صورت مرفوعی** (والدای) **قرار بگیرد و در این گزینه** (عجوزین) **خبر است و منصوب به** (یاء) **می‌باشد که به شکل صحیح قرار گرفته است.**

نکته: نون در والدیّ: به دلیل مضاف شدن به ضمیر متکلم وحده حذف شده است. (والدین + ی)

۴۶ . گزینه ۱ در این گزینه تَلْعَبُ **بعد از یک اسم نکره آمده است و جملهٔ وصفیه است و به زمان ماضی استمراری ترجمه می‌شود زیرا در ابتدای جمله فعل ماضی** «کانَ» **آمده است.**

ترجمهٔ گزینه: زنی در روستایی همراه کودکان با کمال میل بازی می‌کرد (ماضی استمراری)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: قد نَدِموا **ماضی نقلی ترجمه می‌شود.**

گزینهٔ «۳»: یُدرِّسون **مضارع اخباری ترجمه می‌شود.**

گزینهٔ «۴»: یَعتَبِرُ **مضارع التزامی ترجمه می‌شود.**

۴۷ . گزینه ۱ اگر (کان) **را به صیغهٔ** (هم) **ببریم به** (کانوا) **تبدیل شده ولی خود ضمیر (هم) باید حذف شود.** (فقراء) **که خبر است نیز از مرفوع به منصوب تبدیل می‌شود!**

۴۸ . گزینه ۴ (ممرّضات: اسم اصبح) و (المستشفی: مضاف‌الیه) و (ساهرات: خبر اصبح و منصوب)

بررسی گزینهٔ (۱): (نا: **اسم** اصبحَ) **و** (مستعدَّین: **خبر اصبح و منصوب) و** (للحضور: **جارومجرور)**

بررسی گزینهٔ (۲): (هؤلاء: **اسم کان) و** (الطلّاب: **تابع اسم اشاره یا همان مشارالیه) و** (ساهرینَ: **خبر کانَ و منصوب)**

یادآوری نکته: اسم (ال)دار بعد از اسم اشاره، تابع اسم اشاره است و خبر نمی‌باشد.

بررسی گزینهٔ (۳): (أصدقاءَ: **اسم** إنّ **و منصوب) و** (آملونَ: **خبر** انّ **و مرفوع) و** (نا: **اسم اصبح) و** (آملینَ: **خبر** أصبح **و منصوب)**

۴۹ . گزینه ۲ خبر (لیس) **با (مفعول‌به) و منصوب است. از طرفی چون قبل از جای خالی** (الأعداء) **آمده که (جمع و مذکر) است، پس** (قادرینَ) **را انتخاب می‌کنیم!**

۵۰ . گزینه ۴ تنها گزینه‌ای که فعل دارد همین است!

(لا أملکُ: **فاعل ضمیر** (أنا) + شاء: (الله) **فاعل اسم ظاهر)**

بررسی گزینهٔ (۱): (کانَتْ: **فعل ناقصه فاعل و مفعول‌به ندارد!)**

بررسی گزینهٔ (۳): (فَهْم: **مصدر و اسم است!) با فعل اشتباه نشود!**

www.akoedu.ir

پاسخنامه کلیدی

۱. ۳	۹. ۴	۱۷. ۲	۲۵. ۲	۳۳. ۴	۴۱. ۴	۴۹. ۲	
۲. ۲	۱۰. ۲	۱۸. ۱	۲۶. ۲	۳۴. ۱	۴۲. ۲	۵۰. ۴	
۳. ۱	۱۱. ۲	۱۹. ۴	۲۷. ۱	۳۵. ۳	۴۳. ۳		
۴. ۲	۱۲. ۴	۲۰. ۱	۲۸. ۴	۳۶. ۳	۴۴. ۴		
۵. ۱	۱۳. ۲	۲۱. ۱	۲۹. ۲	۳۷. ۳	۴۵. ۴		
۶. ۳	۱۴. ۲	۲۲. ۳	۳۰. ۳	۳۸. ۳	۴۶. ۱		
۷. ۳	۱۵. ۳	۲۳. ۳	۳۱. ۲	۳۹. ۲	۴۷. ۱		
۸. ۲	۱۶. ۱	۲۴. ۴	۳۲. ۱	۴۰. ۱	۴۸. ۴		

www.akoedu.ir